

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳

(صفحه ۱۸۳-۲۱۰)

## دفاتر مهمه عثمانی و اهمیت آنها در شناخت تاریخ ایران

حجت فخری \*

چکیده: در تحقیق حاضر سعی شده است، با معرفی دفاتر مهمه عثمانی و ارائه نمونه‌هایی از تحقیقات انجام‌شده مربوط به ایران براساس آنها، و نیز معرفی و تحلیل محتوایی دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶ ذی‌حجه ۱۱۴۷) مربوط به جنگ مرادتپه (بغورد/ باغ‌آورد)، اهمیت این دفاتر برای مطالعات و پژوهش‌های مربوط به ایران بیان شود و این نتیجه به دست آید که در پژوهش‌های مربوط به ایران، بررسی اسناد و آرشیو عثمانی به‌ویژه دفاتر مهمه بسیار اهمیت دارد و برعکس، بهره نبردن از این‌گونه منابع می‌تواند نقص جدی آن پژوهش‌ها محسوب شود.

کلیدواژه‌ها: دفاتر مهمه عثمانی، جنگ مرادتپه (بغورد/ باغ‌آورد)، عبدالله پاشا کوپرولوزاده، دیوان همایون عثمانی، آرشیو اسناد عثمانی

### ۱ مقدمه

درباره اهمیت استفاده از آرشیو و مدارک آرشیوی عثمانی در پژوهش‌های مربوط به تاریخ ایران، چندین کتاب یا مقاله به فارسی تألیف یا ترجمه شده است.<sup>۱</sup> همین‌طور،

\* عضو هیئت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی (hojat.fakhri@gmail.com)

۱. برای نمونه ← نصیری ۱؛ نوائی؛ موجانی و دیگران؛ گوندوز؛ آتش؛ نوری؛ و نیز مقاله «آشنایی با آرشیو کشور ترکیه».

درباره مسلط نبودن غالب محققان ایرانی به زبان ترکی (ترکی عثمانی و ترکی استانبولی) و استفاده نکردن آنها از منابع اصیل و اسناد و دفاتر تاریخی عثمانی در تحقیقات راجع به ایران، و اینکه این امر نقص مهمی در این پژوهش‌ها محسوب می‌شود، سخن بسیار گفته و نوشته شده است (← موجانی و دیگران: ۱۱، ۴-۳/۱، ۱۱؛ دهقانی: ۴-۵، ۱۳-۱۴؛ آشنایی با آرشیو کشور ترکیه: ۷۹-۹۶). بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی «دفاتر مهمه»<sup>۱</sup> عثمانی (دفاتر حاوی احکام و فرمان‌های صادره در دیوان همایون عثمانی) و برخی تحقیقات انجام‌شده درباره ایران بر اساس این دفاتر و بیان اهمیت به‌کارگیری آنها در پژوهش‌های مربوط به ایران است. در پایان نیز یکی از این دفاتر، یعنی دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶-۱۱۴۷ هجری) معرفی و تحلیل و ترجمه یکی از احکام و مضمون دوازده حکم موجود در آن نیز ترجمه می‌شود. به بیان دقیق‌تر، در بخش نخست تحقیق حاضر، پس از معرفی دفاتر مهمه و جایگاه آنها در بین منابع عثمانی، با آوردن چندین نمونه از تحقیقات انجام‌شده راجع به ایران بر اساس این‌گونه دفاتر در ترکیه و دیگر کشورها، این نتیجه حاصل شده است که استفاده از دفاتر مهمه - و به طور کلی اسناد موجود در آرشیو عثمانی - برای شناخت تاریخ ایران می‌تواند بسیار مهم و روشنگر باشد و به این تحقیقات وثاقت بیشتر ببخشد. سپس در تحقیق موردی مربوط به دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶-۱۱۴۷ هجری)، مربوط به جنگ مرادتپه در محرم ۱۱۴۸ - که بین نادرشاه و عبدالله پاشا کوپرولوزاده، سپهسالار عثمانی در زمان محمود اول عثمانی، رخ داد - با تحلیل صوری و محتوایی این دفتر و ارائه ترجمه یکی از احکام و مضمون دوازده حکم گزینش‌شده از ۲۱۶ حکم موجود در این دفتر و مقایسه این اطلاعات با اطلاعات موجود در منابع ایرانی و عثمانی سعی شده است این نتیجه به دست آید که برای نمونه، از طریق مطالعه و تحلیل اطلاعات موجود در این دفتر مهمه، می‌توان به آگاهی‌های جزئی‌تری در این باره دست یافت که بی‌تردید در منابع ایرانی و ترکی یافت نمی‌شود. در پژوهش حاضر، به منظور گردآوری اطلاعات و آگاهی‌های لازم، از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای به‌ویژه در بین منابع و پژوهش‌های فارسی و ترکی و از نوع بررسی توصیفی - تحلیلی استفاده شده و از این طریق، به طور کلی به

1. mühimme defterleri

2. 1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri (Ramazan 1146 - Zilhicce 1147)

نقد پژوهش‌هایی در زمینه تاریخ ایران و مناسبات آن با عثمانی پرداخته شده است که از دفاتر مهمه عثمانی بی‌بهره بوده‌اند؛ زیرا در پژوهش‌هایی که تاکنون در ایران انجام شده، می‌توان گفت که تقریباً هیچ‌گاه از دفاتر مهمه استفاده نشده است؛ بنابراین، تحقیق حاضر، که در آن مستقیماً به موضوع و اهمیت دفاتر مهمه در تحقیقات مربوط به ایران و به‌ویژه به تحلیل یکی از این دفاتر پرداخته شده، در ایران پیشینه‌ای ندارد و نخستین تحقیق از این دست است. با این حال، باید اشاره کرد که در این زمینه، برخی از تحقیقات آقای دکتر محمدرضا نصیری جایگاه ویژه دارد (← نصیری ۳؛ همو ۲)، زیرا در آنها از اسنادی چون «خط همایون» یا «نامه همایون» استفاده شده است که این‌گونه احکام نیز، به نوعی، احکام مهمه محسوب می‌شوند. علاوه بر اینها، در تعداد اندکی از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، نه از دفاتر مهمه، بلکه از اسناد موجود در بایگانی نخست‌وزیری عثمانی استفاده شده است (← صلحی: عزیززاد و موسوی؛ نیز عریخی) و از این لحاظ، این پژوهش‌ها نیز در جای خود بسیار اهمیت دارند.

## ۲ دفاتر مهمه عثمانی و اهمیت آنها برای شناخت تاریخ ایران

آرشیو عثمانی نخست‌وزیری<sup>۱</sup> در استانبول، وابسته به نهاد نخست‌وزیری جمهوری ترکیه، تمامی اسناد و مدارک تاریخی مربوط به امپراتوری عثمانی را شامل می‌شود. در بین اسناد و انواع دفاتر موجود در آرشیو عثمانی، تعداد ۲۶۷ جلد دفاتر مهمه (طبق آمار سال ۲۰۰۵م) جایگاهی بس ویژه دارند ( 12 Mumaralı Mühimme Defteri I: vii; ) (Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi: 7; Çetin: 2/ 77). اینها دفاتری هستند که در یک دوره تقریباً ۳۵۰ ساله (بین اواسط قرن ۱۰ق/ ۱۶م و سال‌های نخست قرن ۱۴ق/ ۲۰م)، به صورت احکام یا همان فرمان‌های سلاطین عثمانی یا عهدنامه‌ها و اسناد مهم، در مدت یک سال، در «دیوان همایون» (هیئت وزرا) به دست کاتبان ویژه‌ای با عنوان «مهمه‌نویس» نوشته و در آنها ثبت شده است. دفاتر مهمه در یکی از سه خزانه آن دیوان، یعنی خزانه اوراق — که در ابتدا مشابه دفترخانه ایلخانان و سلاجقه روم بود (فخری: ۴۶۰) — نگهداری می‌شدند (TEMELKURAN: 138, 147-148; PAKALIN: 2/ 605). از آنجا که

1. Başbakanlık Osmanlı Arşivi

دیوان همایون عالی‌ترین مرجع صدور احکام گوناگون در حکومت عثمانی بود و چون تاریخ عثمانی به تاریخ بسیاری از کشورها، همچون کشورهای شرق اروپا، شمال آفریقا، خاورمیانه از جمله ایران، و نیز منطقه قفقاز مربوط است، در دفاتر مهمه عثمانی، احکام و اطلاعات فراوان درباره این کشورها و سرزمین‌ها یافت می‌شود (موجانی و دیگران: ۱۱-۱۳؛ 5 Numaralı Mühimme Defteri: 7, 9; Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi: 7; EMECEN 2: 108-110) و این دفاتر در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا حتی امور مالی، قضایی، تجاری و جاسوسی برای تحقیقات مربوط به حکومت‌های عثمانی و ایران مهم‌ترین اسناد و منابع اصیل محسوب می‌شوند. این احکام که به جغرافیای بسیار وسیعی از سرزمین‌های میانی اروپا تا ایران و از شبه‌جزیره کریمه تا شمال آفریقا و عربستان مربوط است، حاوی اطلاعاتی درباره ساختار اداری و نحوه کارکرد تشکیلات مرکزی و ایالتی دولت عثمانی، مناسبات دولت با اتباع عثمانی و اصناف بازار، سیاست‌های مربوط به آبادانی و اسکان و اقتصاد مملکت، سیاست داخلی، شورش‌ها و نحوه سرکوب کردن آنها، تاریخ و استراتژی نظامی، سیاست خارجی و مناسبات‌های دولت عثمانی با دولت‌های خارجی و بازرگانان ایرانی، و اسیران و برده‌ها در حکومت عثمانی، مهاجرت‌های عشایر از ایران به آناتولی و برعکس، و همچنین مکه و زائران خانه خدا هستند. ( 5 / 471; FAROQHİ 7/ 5; UZUNÇARŞİLE 79; Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi: 23 → Numaralı Mühimme Defteri: xxxvi-xxxvii; PEHLIVANI: 654; SARINAY: 216; Ransom Slavery along the Ottoman Borders: 183, 255; 6 Numaralı Mühimme Defteri, decree No. 274

از بین نمونه‌های فراوان، در بخش مربوط به خلاصه احکام دفتر مهمه شماره ۵ (۱۵۶۵-۱۵۶۶/۹۷۳)<sup>۱</sup>، در تحقیق مربوط به این دفتر، ۴۵ بار، و در بخش مربوط به خلاصه احکام دفتر مهمه شماره ۶ (۱۵۶۴/۹۷۲-۱۵۶۵)<sup>۲</sup>، در تحقیق مربوط به این دفتر، ۳۴ بار نام ایران - البته نه مستقیماً به صورت «ایران»، بلکه به صورت رمزی «یوقاری جانب» به معنی «جانب بالا» که منظور همان ایران است - ذکر شده است و این احکام حاوی اطلاعاتی درباره ایران‌اند. همچنین درباره جاسوسی و گردآوری اطلاعات

1. 5 Numaralı Mühimme Defteri (973/ 1565-1566)

2. 6 Numaralı Mühimme Defteri (972/ 1564-1565) I

مربوط به ایران، احکام شماره ۹۹، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۴۹۰، در دفتر مهمه شماره ۷ (۹۷۵-۹۷۶/۱۵۶۷-۱۵۶۹)<sup>۱</sup> جالب توجه است. البته در مقاله حاضر، مجال پرداختن به محتوای این احکام و یا ذکر نمونه‌های بیشتر نیست و بیان همین نمونه‌ها به وضوح اهمیت استفاده از دفاتر مهمه در تحقیقات مربوط به ایران را نشان می‌دهند.

بیشتر دفاتر مهمه عثمانی از قدیم‌ترین تا آخرین آنها در آرشیو عثمانی نخست‌وزیری ترکیه نگهداری می‌شوند. چهار دفتر از مجموع پنج دفتر موجود در خارج از این آرشیو در کتابخانه‌های داخل ترکیه است. یکی از اینها، که همین دفتر مهمه مورد بررسی در پژوهش حاضر است، در کتابخانه کوپرولو<sup>۲</sup>، بخش احمدپاشا، شماره ۳۶۴ تحت عنوان اصلی *مجموعه المنشورات و المراسلات فی عهد الوزير عبدالله پاشا کوپرولو*، دو تا در آرشیو کتابخانه موزه توپقاپوسرای<sup>۳</sup> و آخری نیز در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. در خارج از ترکیه، دفتر مهمه‌ای هست که از سوی پروفیسور لاژوس فیکته<sup>۴</sup>، بایگان معروف اهل مجارستان و متخصص تاریخ عثمانی، معرفی شده است. از بین مجموعه دفاتر مهمه آرشیو عثمانی نخست‌وزیری، قدیم‌ترین دفتر مورخ ۹۶۰-۹۶۱ق/ ۱۵۵۳-۱۵۵۴م و آخرین آنها مورخ ۱۲۸۶-۱۳۲۳ق/ ۱۸۶۹-۱۹۰۵م است. اما دفاتر موسوم به «احکام دفتری» به شماره ۱۲۳۲۱ و ۸۸۸ در آرشیو موزه توپقاپوسرای<sup>۵</sup> در استانبول نیز در واقع، دفاتر مهمه‌ای محسوب می‌شوند که در سال‌های ۹۵۱-۹۵۲ق و ۹۵۹-۹۶۰ق تنظیم شده و از همه قدیم‌ترند.

(5 Numaralı Mühimme Defteri, xxxi; TEMELKURAN: 155; AKIŞ & HALAÇOĞLU: 5/ 122)

برای سهولت در استفاده محققان از دفاتر مهمه، از سوی آرشیو عثمانی به‌ویژه از سال ۱۳۷۱ش/ ۱۹۹۲م کوشش‌های زیادی برای بررسی این دفاتر و انتشار آنها به خط ترکی استانبولی صورت گرفته است و این کار همچنان ادامه دارد. همچنین در دانشگاه‌های

1. 7 Numaralı Mühimme Defteri (975-976/1567-1569)

2. Köprülü Kütüphanesi

۳. یکی در بخش آرشیو (به شماره E.12321) و دیگری در بخش کتابخانه آنجا (Ko u lar, No. 888).

4. L. Fekete

5. TSMA (Topkapı Sarayı Müzesi Arşivi)

ترکیه و دیگر کشورها، فعالیت‌های بسیاری در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری درباره دفاتر مهمه انجام شده است (e.g. *YAVUZ*: 15, 68-69, 72, 113-125; *EMECEN 2*: 107, 130-). درباره جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶- ذی‌حجه ۱۱۴۷) نیز که در تحقیق حاضر استفاده شده از جمله دفاتر مهمه بررسی و منتشر شده است که به‌ویژه به امور پشتیبانی عثمانیان در آستانه جنگ مرادتپه در مقابل سپاه طهماسب‌قلی خان (نادرشاه) مربوط می‌شود. این دفتر از نوع دفاتر مهمه موسوم به «مهمه اردو» (یعنی مهمه سپاه) است. دفاتر مهمه اردو دفاتری هستند که احکام آنها نه به طور معمول در دیوان همایون در استانبول، بلکه از سوی صدراعظم یا فرمانده سپاه و در اثنای لشکرکشی‌ها و بحبوحه جنگ‌ها صادر و ثبت و تنظیم می‌شد. از این رو، این دفاتر، از لحاظ اطلاعات وسیعی که درباره تاریخ سیاسی، نظامی، پشتیبانی جنگی، همچنین اوضاع اجتماعی و اقتصادی حاکم در آن دوران و نحوه سربازگیری و اخذ مالیات‌های فوق‌العاده در زمان لشکرکشی‌ها و موضوعات دیگری از جمله موضوعات حقوقی و قضایی و مالی ارائه می‌کنند، منابع و اسناد کاملاً دست‌اول‌اند.

در ترکیه، در پژوهش‌های مربوط به تاریخ عثمانی و یا تاریخ برخی کشورها و انواع موضوعات دیگر از دفاتر مهمه بسیار استفاده شده است ( *EMECEN 2*: 107, 130, fn. ) 68; *Kütükoğlu*: Mübahat 31/ 522; e.g. *EMECEN 1*; *FAROOHI 2*; *Akdağ 1*; idem 2; *Griswold*; نیز، محققان ترکیه و دیگر کشورها - و از جمله یک محقق ایرانی، به نام فریبا زرینه‌باف - شهر، آن هم به زبان انگلیسی در خارج از ایران - پژوهش‌های بسیاری بر اساس دفاتر مهمه انجام داده‌اند ( *Kütükoğlu 2*; idem 1; *KIRZIOĞLU*; *İMBER*; *Arşiv* ) *Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri*; *AİŞ*; *Aktepe 1*; *Özğüdenli*; *Osmanlı Belgelerinde* که از سوی محققان غیرایرانی صورت گرفته، نمی‌توان انتظار داشت تحلیل‌هایی کاملاً دقیق و به دور از سلیقه‌های شخصی ارائه شده باشد، بنابراین، مطالعات تطبیقی از

سوی محققان ایرانی سودمند خواهد بود و چه بسا اطلاعات و نکات مهمی در اثنای این تحقیقات بر محققان ایرانی مکشوف گردد که از سوی دیگران مغفول مانده است.

## ۲-۱ دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶- ذی حجه ۱۱۴۷)

موضوع تحقیق حاضر وقایع سال‌های ۱۱۴۶-۱۱۴۷ ق و همچنین محتوای احکام مربوط به دوره زمانی رمضان ۱۱۴۶- ذی حجه ۱۱۴۷ در دفتر مهمه مذکور است که به جنگ مرادتیپه در محرم ۱۱۴۸ منجر شد. اجمالاً، در پی رفع خطر اشرف افغان و تصرف همدان و تبریز از سوی نادرخان (بعداً نادرشاه)، شکست سیاست خصمانه شاه طهماسب دوم در مقابل عثمانیان به علاوه اوضاع نابسامان داخلی عثمانیان موجب شد نادر ابتکار عمل را به دست گیرد و راه خود را برای مجادله با عثمانیان و رسیدن به سلطنت هموار کند (استرآبادی: ۱۶۴-۱۶۶، ۱۸۶-۱۹۰؛ مروی: ۱/ ۱۰۹-۱۱۳، ۱۲۶-۱۳۴، ۱۴۱-۱۵۰، ۱۹۵-۱۹۹، ۲۲۵-۲۳۳؛ «آشنایی با آرشیو کشور ترکیه»: ۵۹؛ 6-19: *Abxli Paşa*). دلیل لشکرکشی نادر به متصرفات عثمانی در غرب ایران و قفقاز و ارمنستان تجاوزات عثمانیان به این مناطق در دوران پادشاهان پیشین ایران به‌ویژه شاه طهماسب دوم بود. عثمانیان، با بهره‌برداری از فرصت‌های به‌دست‌آمده، سرزمین‌های ایران را به تصرف درآورده بودند و به هشدارهای نادر برای خروج از آن مناطق نیز توجه نمی‌کردند (حزین لاهیجی: ۱۹۷-۲۰۴؛ نوائی: ۱۲۷؛ جعفریان: ۹۶۵-۹۶۶). پس از آنکه نادر در جمادی‌الآخر ۱۱۴۶ عثمانیان را در نبرد کرکوک مغلوب کرد (حزین لاهیجی: ۲۲۴-۲۲۷؛ مروی: ۱/ ۲۸۵-۲۹۵، ۳۲۳-۳۳۳؛ *1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri*: xxvi)، عبدالله پاشا، در ۱۲ شوال همان سال، فرماندهی سپاه عثمانی را به عهده گرفت و مأمور جنگ با نادر شد (مروی: ۳۸۹؛ *1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri*: decree No. 21). نادر پس از تصرف ولایت شیروان و پایتخت آن، شماخی، در دوم ربیع‌الاول ۱۱۴۷/ ۲۴ اوت ۱۷۳۴ و محاصره گنجه در جمادی‌الآخر/ نوامبر همان سال (*Awworlly*: 146-147) نصیری ۱: ۱/ [چهارده. پانزده])، با بخشی از نیروهای خود به سوی ارمنستان و گرجستان تاخت و تفریس و ایروان را نیز به محاصره درآورد و با پانزده یا هجده هزار نفر نیروی پیشروی خود، برای مقابله با عبدالله پاشا، به سوی قارص رفت. ضعف تدابیر عبدالله پاشا به

شکست عثمانیان در باغ‌آورد/ بغاورد/ بگاورد — که نادر آنجا را مرادتپه خواند (شعبانی: ۴۹) — در شمال ایروان و کشته شدن عبدالله پاشا در ۲۲ محرم ۱۱۴۸ انجمید (مروی: ۳۸۹-۴۰۱؛ نصیری ۱: ۱/ [چهارده پانزده]؛ *1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri*, xxvii-xxviii; *Anwariy*: 151-152). پیروزی در جنگ مرادتپه را یک پیروزی بسیار قطعی و گسترده و «عجیب‌ترین جنگ در تاریخ چهارصد ساله اخیر ایران» دانسته‌اند که در آن، سربازان عثمانی تعدادشان هفت برابر سربازان ایرانی بود. در این جنگ تلفات ایران اندک، اما تلفات عثمانی بسیار بود. (*Anwariy*: 151-154, 205)

به طور کلی، درباره این لشکرکشی می‌توان گفت در منابع ایرانی، یا اصلاً به این جنگ اشاره نشده، یا بسیار مختصر به آن پرداخته شده است (فسائی: ۵۳۴؛ حدیث نادرشاهی: ۱۳؛ حزین لاهیجی: ۲۴۸-۲۴۹). برای نمونه، در آثار مرعشی صفوی و قزوینی و رستم الحکما و اصفهانی هیچ اشاره‌ای به این جنگ نیست (مرعشی صفوی: ۸۳؛ قزوینی، ۹۱ به بعد؛ رستم الحکما (آصف): ۲۰۵ به بعد؛ الاصفهانی: ۲۵۲ به بعد)؛ در حدیث نادرشاهی و اثر حزین لاهیجی اطلاعات بسیار اندک است (حدیث نادرشاهی، ۱۳؛ حزین لاهیجی، ۲۴۸-۲۴۹)؛ اما برای نمونه، استرآبادی و فسائی نبرد مرادتپه را به صورت کلی بیان کرده‌اند (استرآبادی: ۲۵۲-۲۵۵؛ فسائی: ۵۳۲-۵۳۴). در مجموع، در این آثار، جنگ مرادتپه به اختصار ذکر شده و بدیهی است که درباره آمادگی و پشتیبانی جنگی عثمانیان و تحرکات ایشان در مرزهای ایران اطلاعات جزئی و قابل توجهی — چنان‌که در ۲۱۶ حکم موجود در دفتر مهمه مورد بحث در تحقیق حاضر آمده است — وجود ندارد و چه‌بسا در بین اطلاعات موجود در این دفتر آگاهی‌هایی وجود داشته باشد که برای تحقیقات مربوط به ایران نیز سودمند باشد.

همین‌طور یکی دو منبع اصلی عثمانی غالباً یا اصلاً به جنگ مرادتپه اشاره نکرده‌اند یا فقط به بیان اینکه عثمانیان در مرادتپه از نادر شکست خوردند، اکتفا کرده و توضیح بیشتر نیاورده‌اند (صبحی: ۶۶-پ (در بیان وقایع سال ۱۱۴۸)؛ *Sam'dani*: zade: 1/ 39, 85a-87b)؛ مثلاً صبحی، که مهم‌ترین منبع مربوط به زمان وقوع جنگ مرادتپه است، حتی به مرگ عبدالله پاشا هم اشاره نکرده و آورده است: «در ماه جمادی‌الآخر همان سال [۱۱۴۸ق]، در مجلس صدارت مطرح شد که طهماسب‌قلی خان طی نامه‌ای به صدراعظم جدید عثمانی تبریک گفته و از او درخواست صلح کرده است» (صبحی: ۶۶، ۶۸پ)؛

گرچه نادر سعی کرد عثمانیان را به صلح وادار کند و موفق هم شد، اما این طور نبود که منابع و مآخذ عثمانی به‌ویژه صبحی وانمود کرده‌اند که طرفی که تقاضای صلح داشته نادر بوده است. جالب اینکه صبحی تحت عنوان «مقدمه رساله مرقومه در بیان متن حوادث ایران و ابتدای ظهور طهماسب‌قلی‌خان» (صبحی: ۸۵-۸۷پ) بی‌هیچ اشاره‌ای به این جنگ، آورده است که فرستاده عثمانی، در رجب ۱۱۴۸، در دشت مغان، برای مذاکره صلح نزد نادر رفت. از اینجا نیز معلوم می‌شود که پس از این جنگ که به نفع ایرانیان تمام شده بود، عثمانیان — به‌ویژه چون در جبهه‌های روسیه و اروپایی نیز درگیر جنگ شده بودند — بیشتر خواستار صلح بودند تا نادر؛ زیرا بنا به نوشته خود صبحی نیز این فرستاده عثمانی بود که تا دشت مغان نزد نادر رفت که پیروزمندانه به سلطنت هم رسیده بود. گذشته از اینها، حزین لاهیجی تصریح کرده است که اصلاً «رومیه [عثمانیان] از خان معظم [طهماسب‌قلی‌خان/ نادرشاه] مکرر درخواست مصالحه نمودند و صورت قبول و استقرار نیافت» (حزین لاهیجی: ۲۴۹). در مآخذ بعدی و متون جدیدتر عثمانی نیز وضع به همین‌گونه است. مثلاً سامی، به گونه‌ای جانب‌دارانه، حتی بدون آوردن نام عبدالله پاشا<sup>۱</sup>، فقط در یک جمله به شکست سپاه عثمانی در برابر نادر اشاره کرده و مانند بقیه منابع عثمانی، از جمله صبحی، تأکید کرده که نادر برای مصالحه اصرار داشته است (سامی: ۳۴۷-۳۴۸؛ ثریا: ۳/ ۳۷۶-۳۷۷). حتی محققان معاصر ترک در دایرةالمعارف‌های ترکی فقط در یک جمله به مغلوب شدن سپاه عثمانی در جنگ مرادته اشاره کرده‌اند و چیز دیگری به آن نیفزوده‌اند. (ÖZCAN: 349; AKIPE: 2: 160) →

## ۲-۲ تحلیل صوری و محتوایی دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران

اجمالاً، دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶- ذی‌حجه ۱۱۴۷) مشتمل بر ۵۴ برگ است و احکام موجود در آن به خط دیوانی شکسته نوشته شده‌اند که در دیوان همایون عثمانی به کار می‌رفت (عالی، ۶۰-۶۱؛ Küçükoglu: Mübahat S., 58, 61-62). این

۱. در دایرةالمعارف‌های ترکی نیز، عبدالله پاشا کوپرولوزاده مدخل نشده است؛ اما برای این مدخل در دایرةالمعارف/ایرانیکا ←

Kohbach, M., “‘Abdall h Paša Köprülüz de”, *Encyclopaedia Iranica*, London 1985, vol. 1, p. 203.

دفتر با عبارتی آغاز شده است که معرف و سرفصل دفتر است و در وسط صفحه به صورت مثلثی معکوس در پنج سطر نوشته شده است: «بسمه سبحانه و تعالی/ هذا قیود احکام المهمه فی زمان وزیر مکرم کوپرلی‌زاده سعادتلو عبدالله پاشا/ سرعسکر جانب شرق الواقع فی اواخر شهر رمضان المبارک/ سنه ست و اربعین و مایه و الف/ من هجرة من له العزّ و الشرف». در امتداد ضلع چپ شکل مثلثی این عبارت نیز، از پایین به بالا، عبارت «در زمان وکیل رئیس الکتّاب سلیمان عزّی افندی» نوشته شده است. در بخش خطاب احکام، سمت مخاطب، محل اقامت و نام او آمده و سپس عبارت «حکم که» به آن افزوده شده و پس از بخش خطاب، اصل حکم از سر سطر آغاز شده است. در این قسمت، ابتدا در یک پاراگراف یا بیشتر، اطلاعات اولیه و لازم، به زبان ترکی، به مخاطب داده شده است. این اطلاعات با عبارت «امر شریفم اصدار و توسط اجای خالی نام کسی که حکم برای رساندن به مقصد به دستش داده شده [ارسال شده] خاتمه می‌یابد. در ادامه یا در پاراگراف بعدی، با عبارت «حال، تو/ شما که... [مانند] تو که وزیرم/ مؤمی‌الیه هستی...» دستور اصلی و آنچه باید انجام شود، برای مخاطب نوشته شده است. در آخر احکام نیز قید شده: «فرمان عالی‌شأنم صادر شده است، به گونه‌ای که نوشته شده» و در قسمت چپ زیر احکام نیز، تاریخ آمده است؛ البته دکتر کمال ارکان<sup>۲</sup>، سهواً جای تاریخ را «در گوشه راست زیر احکام» نوشته است که صحیح نیست (xxxiii). *1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri*. نخستین حکم این دفتر به تاریخ «اواخر رمضان ۱۱۴۶» خطاب به وزیر، عبدالله پاشا، والی حلب است و در آن، ضمن تأکید بر اوامر پیشین و تأکید بر ارسال شترها و ذخیره‌ها<sup>۳</sup>، از او خواسته شده است که به فعالیت راهزنان در رُها پایان دهد. آخرین حکم این دفتر نیز به تاریخ اوایل ذی‌حجه ۱۱۴۷ خطاب به باباخان، سنجاق‌بیگی (حاکم) الشکرد<sup>۴</sup> نوشته شده و از او خواسته شده است، با نیروهای خود، به شوره‌گل<sup>۵</sup> در ایروان برود و به محمودپاشا، حاکم سنجاق<sup>۶</sup> بایزید، بپیوندد.

۱. نگارنده در این مقاله، نمونه‌ها و عبارتهای ذکرشده از منابع ترکی را به فارسی ترجمه کرده است.

2. Kemal Erkan

۳. «ذخیره»، به طور کلی، یعنی «انبار مواد غذایی و ملزومات و مایحتاج سپاه».

4. Eleşkird

5. Şüregeli

۶. در تقسیمات اداری حکومت عثمانی، ایالت‌ها به چند «سنجاق» تقسیم می‌شدند.

از آنجا که این دفتر یک دفتر مهمه اردو است، از مطالعه آن به وضوح می توان به امور و فعالیتها و تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی عثمانیان در اثنای یک لشکرکشی پی برد. بدیهی است احکام موجود در آن را نیز احکام مربوط به امور سپاه تشکیل می دهد که در رأس آنها موضوعات مربوط به مسئله تأمین مایحتاج سپاه و پیوستن به سپاه اصلی و سربازگیری برای لشکرکشی به سوی جبهه های جنگ با ایرانیان قرار دارد. غیر از اینها، احکامی درباره مسائل مربوط به راهزنان، سربازان فراری، گرفتن مالیات فوق العاده جنگی و چند موضوع دیگر نیز در این دفتر ثبت شده است. بنابراین، با ارسال فرمان به جاهای مختلف، کوشش شده است سربازان و مایحتاج آنان از قبیل ذخیره، مهمات، توپ، تفنگ و چادر تأمین گردد. حمل این لوازم نیز خود مسئله ای جداگانه بوده است. تکرار فرمانها در اصل بیان کننده اهمیت این گونه مشکلات و نتیجه تعلل زیاد امرا در اجرای فرامین (← ادامه مقاله) بوده است. لذا این دفتر برای کسانی که درباره پشتیبانی جنگی عثمانیان تحقیق می کنند، یا برای روشنی بخشیدن به روند جنگ بین عثمانی و ایران در قرن ۱۲ق/ ۱۸م، همچنین وضع نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن دوره و دیوان سالاری عثمانیان منبعی دست اول به شمار می رود و باید در بررسی های تاریخی مد نظر قرار گیرد (1734-1735 *Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri*: xxxvii, lii). بنا بر آنچه در بالا ذکر شد، احکام موجود در این دفتر را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد:

۱) احکام مربوط به پیوستن نیروهای ایالتی به سپاه عثمانی و سربازگیری - به دلیل ادامه یافتن لشکرکشی ها به سوی مناطق شرقی امپراتوری، نیاز به سربازان بیشتر در سپاه عثمانی افزایش یافته و طی احکامی به ایالات و تیولداران متعدد دستور داده شده بود با نیروهای خود به سپاه عثمانی بپیوندند و برای سربازگیری بیشتر اقدام نمایند. در این باره، در این دفتر مهمه ۲۳ حکم وجود دارد<sup>۱</sup>. با توجه به جاهایی که این احکام و

۱. ایالات و یا سنجاق هایی که این گونه احکام را دریافت کردند، عبارتند از (در داخل پرانتز، شماره احکام آمده است): حلب (۱)، لوزروم (۶)، آنکارا (۳۷)، زها (۳۹)، ایالت آناتولی (۴۱، ۶۳، ۸۶، ۶۹)، پالو (۴۵، ۸۲، ۱۰۱، ۱۵۳، ۱۸۳)، سیواس (۶۰، ۱۹۸)، ملاطیه (۱۱، ۸۴)، دیوریکگی و عربگیر (۸۷، ۱۷۳، ۱۸۹)، مرعش (۹۰)، آملسیه (۱۲۸، ۱۵۰)، رقه (۱۲۹)، آمد/ دیاربکر (۱۳۵)، ۱۷۷، ۱۸۸، حکاری (۱۴۲)، وان (۱۷۹)، باغیزید (۱۸۱)، آیدین (۱۹۵)، و اگیل (۲۱۲).

رونوشت‌های آن را دریافت کرده‌اند و با بررسی آنها در یک نقشه جغرافیایی به‌وضوح معلوم می‌شود که منطقه بسیار وسیعی در مرزهای شرقی و شمال شرقی امپراتوری عثمانی درگیر این‌گونه تدارکات برای جنگ قریب‌الوقوع بوده‌اند. با توجه به اینکه این‌گونه احکام بارها تکرار شده و حکام در اجرای این دستورات تعلل کرده‌اند، اگر مضمون این‌گونه احکام و همین موضوعات در سطحی کلان‌تر در دفاتر مهمه و دیگر منابع عثمانی و ایرانی بررسی شوند، ممکن است به گونه‌ای دقیق‌تر معلوم شود که دلیل یا دلایل چنین استنکاف‌هایی چه بوده است و در نتیجه، می‌توان به رابطه دولت عثمانی با حکام مناطق و ایالات و نفوذ و اقتدار آن دولت نزد حکام خود در قلمرو عثمانی و همچنین نحوه فرمان‌برداری آنها از دستورات دولت در هنگام لشکرکشی و جنگ پی برد. آنچه از چنین بررسی‌هایی به دست می‌آید ممکن است حتی برای مطالعات مربوط به تاریخ ایران و مناسبات آن با دولت عثمانی بسیار سودمند باشد.

۲) احکام مربوط به تأمین مایحتاج سپاه و محافظت از مهمات و خزانه (یعنی خزانه اوراق و نیز انبار مواد غذایی و مایحتاج سپاه) - تأمین احتیاجات سربازان در لشکرکشی‌ها از مسائل مهمی بود که باید برای آن راه حل‌هایی اندیشیده می‌شد. تعدد احکام مربوط به این مشکل در دفتر مذکور<sup>۱</sup> مبین اهمیت این موضوع است.

(→1734-1735 Osmanlı-İran savaşı Mühimme Defteri, xli-xliii)

علاوه بر اینها، از حکم شماره ۷ که به عده‌ای، از جمله مفتی حلب و قاضیان آطنه و رها و عینتاب و اعیان ولایت، ارسال شده بود چنین پیداست که تأمین وسایل

---

۱. این‌گونه احکام در این دفتر مهمه به مقامات ایالات و سنجاق‌ها به شرح زیر ارسال شده است (در داخل پرانتز، شماره احکام آمده است): والی حلب (۱، ۵۱، ۵۷)، مفتی حلب (۷)، مقامات مناطقی بین دیاربکر و موصل (۱۰، ۲۸)، بیگلربیگی موصل (۱۴، ۷۴)، متسلم رقه (۱۵، ۳۱، ۴۲، ۵۵، ۶۴، ۹۷)، والی شهر زور (۱۷)، والی صیدا (۲۰)، متسلم سیواس (۳۳)، عشایر دیرازی و بزبگی (۴۸)، قیوچی‌باشی درگاه معلی (۵۹)، متصرف سنجاق اگیل (۷۷)، قاضی خرپوت (۷۹)، متصرف سنجاق ملاطیه (۸۰)، والی قرامان (۸۵)، حاکم عمادیه (۱۰۷)، حاکم جزیره (۱۱۷)، والی موصل (۱۳۰)، ویووده السعید (۱۳۳)، والی ایروان (۱۵۴)، والی دیاربکر (۱۵۵)، (۱۹۹)، سلطان اسلام‌گرای، خلف السلاطین اعظام (۱۵۸)، متصرف سنجاق اولتو (۱۶۰، ۱۹۴)، بیگلربیگی قارص (۱۶۱، ۱۷۰، ۲۰۶)، متصرف سنجاق آق‌سرای (۱۶۲)، والی ارزروم (۱۸۵)، متصرف سابق سنجاق پزرین (۱۸۶)، محافظان قلعه ایروان (۲۰۴)، قاضی گوله و متسلم گوله (۲۰۵)، والی وان (۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۴) و متسلم آخسقه (۲۰۸).

حمل و نقل (مانند چهارپایان) برای حمل ذخیره و مهمات بسیار اهمیت داشته است؛ زیرا نبود وسایل حمل و نقل کافی برای انتقال ذخیره تأمین شده نیز مانند نبود ذخیره کافی، مانع رسیدن به موقع پشتیبانی به سربازان می‌شد. حکم‌های شماره ۲۸، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، و ۱۷۰ نیز درباره محافظت از خزانه مهمات و احکام شماره ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۴۸، ۴۹، ۵۷ نیز درباره ساخت کشتی‌های حمل ذخیره برای رساندن به سپاه و محافظت از کشتی‌ها در طول مسیر آنها تا مقصد بوده است.

۳) احکام مربوط به جلوگیری از حملات راهزنان به کاروان‌های حامل مایحتاج سپاه - البته برای جلوگیری از حمله راهزنان به کاروان‌هایی که برای تأمین مایحتاج سپاه ارسال می‌شد نیز باید تدابیری اتخاذ می‌گردید. در این باره، دوازده حکم به برخی از حکام و والیان ارسال شده است.<sup>۱</sup>

۴) احکام مربوط به فرار سربازان و تدابیر مربوط به جلوگیری از آن - در اثنای لشکرکشی‌ها، فرار سربازان جرمی بود که مشکلات مهمی به وجود می‌آورد و در روحیه سربازان دیگر نیز تأثیر منفی داشت. لذا به والیان، طی احکامی، دستور داده شده بود در این مورد با دقت بسیار عمل کنند و از فرار سربازان جلوگیری به عمل آورند.<sup>۲</sup>

۵) احکام متفرقه - احکام متفرقه دیگری نیز در این دفتر وجود دارد مثل احکامی که به اخذ مالیات فوق‌العاده‌ای به نام «امداد سفریه» مربوط است. این مالیات در اثنای لشکرکشی‌ها از ولایات طلب می‌شد.<sup>۳</sup> حکم‌های مربوط به مسائل متفرقه را می‌توان به این صورت طبقه‌بندی کرد: (۱) محافظت از قلعه و اهالی آن؛<sup>۴</sup> (۲) مجازات‌ها؛<sup>۵</sup> (۳) عزل و نصب‌ها؛<sup>۶</sup> (۴) منازل سفر؛<sup>۷</sup> (۵) استقرار نیروهای گوناگون در

۱. احکام شماره ۵، ۱۶، ۱۸، ۳۸، ۵۸، ۶۵، ۶۷، ۹۳، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۴۷، ۱۷۴.

۲. برای نمونه - احکام شماره ۵، ۱۶، ۱۸، ۳۸، ۵۸، ۶۵، ۶۷، ۱۲۳، و ۱۷۴.

۳. - احکام شماره ۱، ۱۱، ۲۵، و ۹۹.

۴. احکام شماره ۲، ۳، ۶۱، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷.

۵. احکام شماره ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۵، و ۲۱۶.

۶. احکام شماره ۲۹، ۳۲، و ۳۵.

۷. احکام شماره ۲۱، ۷۲، ۹۱، ۹۴، ۱۱۶، ۱۱۸، و ۱۳۴.

۸. احکام شماره ۲۳، ۷۳، ۷۸، و ۱۰۴.

مناطق مختلف و آماده شدن برای لشکرکشی<sup>۱</sup>؛ ۶) پیوستن به سپاه اصلی یا نیروهای دیگر<sup>۲</sup>؛ و ۷) سایر موارد متفرقه و جزئی<sup>۳</sup>.

البته تمامی ۲۱۶ حکم موجود در دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴ - ۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶ - ذی‌حجه ۱۱۴۷) به موضوع جنگ مراد تپه و وقایع پیش از آن مربوط است که از بین این احکام، دوازده حکم انتخاب شده که در آنها به‌نحوی از ایران یا نادرخان یا به هر حال موضوعی مربوط به تحرکات ایرانیان سخن به میان آمده است. با مطالعه و تحلیل مطالب موجود در این احکام، محققان ایرانی می‌توانند نام‌های مکان‌های جغرافیایی مذکور در این احکام و تاریخ‌های صدور آنها را با آگاهی‌های موجود در منابع ایرانی در همین موارد، یعنی تاریخ‌های مربوط به تحرکات سپاهیان ایران و شهرهایی که تصرف یا محاصره می‌کردند، مطابقت دهند و احیاناً نتایجی به دست آورند، از جمله:

۱) در این دفتر مهمه، نخستین حکمی که در آن، مستقیماً از ایران و طهماسب‌قلی‌خان سخن به میان آمده حکم شماره ۱۰۲ است که در اواخر صفر ۱۱۴۷ نوشته شده است. این حکم به متصرف سنجاق بابان ارسال و در آن، از او خواسته شده است در مقابل سربازان «دشمن» (یعنی سربازان ایرانی) هوشیار باشد و از اهالی آن سنجاق محافظت و اخبار مربوط به «دشمن» را ارسال کند. در این حکم، به متصرف سنجاق بابان هشدار داده شده که با توجه به اینکه طهماسب‌قلی‌خان از اصفهان حرکت کرده و به حوالی همدان رسیده است و احتمال زیاد هست که از سوی او به مرزهای عثمانی تجاوزاتی صورت بگیرد، از تحرکات او غافل نباشد و اخبار مربوط به سپاه ایران را به فرمانده سپاه عثمانی، یعنی عبدالله پاشا، ارسال نماید. ضمناً هفت رونوشت از این حکم نیز به مناطق مختلف ارسال شده است.

۱. احکام شماره ۱۷۲، ۱۷۵، و ۱۷۶.

۲. احکام شماره ۸۳، ۹۲، ۱۲۲، ۱۳۶، ۱۵۱، و ۱۷۸.

۳. احکام شماره ۸۹، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۳۲، و ۱۴۹.

۲) حکم شماره ۱۱۰ مورخ اواسط ربیع‌الآخر ۱۱۴۷ خطاب به وزیر گنج‌علی پاشا، محافظ گنجه، نوشته شده و از او خواسته شده به سوی طهماسب‌قلی‌خان، که از شیروان تا شماخی را تصرف کرده است، برود و با او بجنگد.

۳) حکم شماره ۱۱۱ مورخ اواسط ربیع‌الآخر ۱۱۴۷ خطاب به وزیر احمد پاشا، والی ارزروم، نوشته شده و از او خواسته شده که چون طهماسب‌قلی‌خان به نواحی قارص رفته، در آنجا اردو بزند و مراقب تحرکات «دشمن» باشد.

۴) حکم شماره ۱۱۲، مورخ اواسط ربیع‌الآخر ۱۱۴۷، خطاب به تیمور محمد پاشا، والی وان، نوشته شده و از او خواسته شده است که از طهماسب‌قلی‌خان، که شماخی را اشغال کرده و به مرز عثمانی نزدیک شده است، غافل نباشد و در محافظت از قلعه وان دقت نماید.

۵) حکم شماره ۱۴۳، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به محمد پاشا، بیگلربیگی قارص، نوشته شده و از او خواسته شده است که هر جا که هست، در همان‌جا اردو بزند و احوال «دشمن» را زیر نظر بگیرد. در این حکم اشاره شده است که قلعه گنجه از سوی ایرانیان محصور شده است و بخشی از سربازان ایرانی به حوالی تفلیس رسیده‌اند.

۶) حکم شماره ۱۴۴، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به وزیر احمد پاشا، والی ارزروم، که در قارص اردو زده بود، و عده دیگری از رجال نوشته شده و خاطر نشان کرده که «جهاد» بر ایشان مسلّم شده است و هنگام ورود اردوی همایون، باید در محلی به نام آخیل کلک (آخال کالاکلی) از مهمات محافظت کنند. در این حکم آمده است که قلعه گنجه از سوی ایرانیان محصور شده است و بخشی از سربازان ایرانی به حوالی تفلیس رسیده‌اند و مهمات و خزانه‌ای که پیش‌تر قرار بود به تفلیس برود، به اجبار در آخیل کلک متوقف شده است، گویا ایرانیان نیت دارند به آن حوالی تجاوز کنند و عبدالله پاشا کوپرولوزاده، والی آناتولی و فرمانده سپاه عثمانی، قرار است از طریق ایالت بایزید به قارص برود و در آن هنگام بر همگان در آنجا فرض و جهاد است که از ایشان محافظت کنند.

۷) حکم شماره ۱۴۵، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به محمود پاشا، متصرف سنجاق بایزید، نوشته شده و از او خواسته شده است که در اطراف یزدآباد و نخجوان و اردوباد و آن حوالی حاضر باشند و به «دشمن» امان ندهند و از تجاوزات ایشان جلوگیری کنند.

۸) حکم شماره ۱۴۶، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به ابراهیم، سنجاق‌بیگی سنجاق ملازگرد، نوشته شده و از او خواسته شده است که به همراه محمود پاشا، متصرف سنجاق بایزید، در اطراف یزدآباد و نخجوان و اردوباد و آن حوالی حاضر باشند.

۹) حکم شماره ۱۵۴، مورخ اوایل رجب ۱۱۴۷، خطاب به وزیرحسین پاشا، والی و محافظ ایروان، نوشته شده و ضمن بیان اینکه عبدالله پاشا برای مقابله با «دشمن» در ایروان به آنجا فرستاده شده، از وزیرحسین پاشا خواسته شده است که مراقب «دشمن» باشد.

۱۰) حکم شماره ۱۵۷، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به وزیرحسین پاشا، والی و محافظ ایروان، نوشته شده و چنین آمده است: «بدین‌سان که همه پاشاها و فرماندهانی که در لشکرکشی به جانب شرق شرکت دارند، با یکدیگر متفق باشند و از تجاوز 'دشمن' به نواحی تحت پوشش خود جلوگیری کنند». در این حکم، ضمن اشاره به «شهادت» عثمان پاشا، فرمانده سابق سپاه عثمانی، در سال گذشته [یعنی در جمادی‌الآخر ۱۱۴۶، پس از شکست عثمانیان در مقابل نادرخان در کرکوک]، آمده است:

طهماسب‌قلی‌خان به صحنه [از توابع کرمانشاه] رفته، سفرایی به همراه نامه از سوی طهماسب‌قلی‌خان به اردوی همایون ارسال شده و طبق درخواست ایشان در نامه، مقرر بود در صحنه ملاقات و مذاکره صورت بگیرد؛ اما حيله در کار بود و در آن هنگام با خدعه، سرخای‌خان، خان شیروان، با حرکت حاکی از مخالفت با من [اسلطان عثمانی] گفت که «باید بروم و بجنگم» و به این بهانه، ناغافل از صحنه به ایالت شیروان رفت و در آنجا شهر شماخی را تصرف کرد و در نتیجه، عبدالله پاشا نیز از موصل حرکت کرد و در این شدت سرما از طریق بتلیس به بایزید رفت و در این هنگام «دشمن» به مملکت من [اسلطان عثمانی] تجاوز و قلعه گنجه را محاصره کرد و سرعسکر من [یعنی عبدالله پاشا] قصد عزیمت به قلعه ایروان کرد. در این ایام، برخی یایغان از تغلیس به گنجه رفته با طهماسب‌قلی‌خان ملاقات کرده وی نیز به آنها خلعت پوشانده و به ایشان حدود پنج الی شش هزار قزلباش<sup>۱</sup> داده و قزلباشانی چون سنجارخان و جانی‌خان را فرمانده ایشان کرده و به نزدیکی تغلیس رفته و خان‌های تغلیس و کاخ<sup>۲</sup> (کاختی) را تابع خود کرده و به قلعه سوء قصد کرده و در نتیجه، خزینه و مهماتی که قرار بود به تغلیس واصل

۱. در اینجا و به طور کلی در متون عثمانی، منظور از «قزلباش» اهالی حامی و طرفدار حکومت ایران در آناتولی است، و نه حکومتیان ایرانی.

۲. در ترجمه ترکی استانبولی آن، به اشتباه به صورت Kahtik آمده است.

شود، هنوز در نیمه راه متوقف است و با اینکه سرعسکر من اسلطان عثمانی<sup>۱</sup> به ایروان رسیده، ذخائر و عساکر و مهمات لازم ایشان به تفلیس و ایروان نرسیده و وی عبدالله پاشا<sup>۲</sup> مجبور شده، برای فراهم آوردن این لوازم، ابتدا به قارص برود. لذا از حسین پاشا، والی ایروان، خواسته شده در تهیه این گونه لوازم بکوشد.

(۱۱) حکم شماره ۱۵۸، مورخ اواخر رجب ۱۱۴۷، خطاب به اسلام‌گرای خان، که در آن زمان از وی خواسته شده با سربازان «تاتار» خود با عجله به آخیل کلک برود و خزانه و مهمات آنجا را به سلامت به تفلیس برساند.

(۱۲) حکم شماره ۱۹۳، مورخ اواسط شوال ۱۱۴۷، خطاب به علی پاشا، متصرف سنجاقلی، که در آن زمان در آخیل کلک بود، نوشته شده و با بیان اینکه چون خبر رسیده است که سربازان «دشمن» در قلعه لوری قصد حمله به نواحی شوره‌گل / شوره‌گلی / شوراگل و آخیل کلک را دارند، از علی پاشا خواسته شده است که آخیل - کلک و اطراف آنجا را از تعرض «دشمن» محافظت کند.

در اینجا به منظور ارائه نمونه‌ای درباره اینکه از مفاد احکام موجود در دفاتر مهمه چه مطالبی را می‌توان استخراج و یا از آنها، در مطالعات عثمانی‌شناسی و یا ایران‌شناسی و مناسبات این دو چگونه می‌توان استفاده کرد، در ادامه ترجمه حکم شماره ۱۰۲ این دفتر ارائه و مضمون آن - در حد این مقاله که برداشتی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده است - به صورت بسیار کلی، بررسی و تحلیل می‌شود و البته تحلیل‌های بیشتر و عمیق‌تر بر عهده اساتید محترم فن خواهد بود:

به [ ... ]<sup>۱</sup> پاشا دام اقباله، متصرف سنجاقلی، حکم که ان شاء الله الملك المستعان، دستور مکرم وزیرم [ ... ] کوپرولوزاده ادام الله تعالی اجلاله، که والی آناتولی و سرعسگر حمیت پرورم است، همراه اردوی نصرت‌عنوانم که اجناد و غااعتیادم در آن اجتماع و احتشاد کرده است، قریباً عازم موصل و آن حوالی است و بادی فتنه و فساد دوزخ‌مکین ذلالت‌آیین طهماسب‌قلی خان بی‌ایمان هیبت‌نشان<sup>۲</sup> از اصفهان با گروه مکروه اعاجم بدانجام حرکت کرده به همدان و آن حوالی رفته و چون

۱. جای نام برخی افراد در این حکم خالی مانده، که با [ ... ] مشخص شده است.

۲. در اصل حکم، به الفبای عربی به صورت «حیبت‌نشان» (با حرف ح)، و در برداردن ترکی استانبولی با الفبای لاتین به صورت haybet-şân (حیبت‌شان) آمده است ← 103 *Osmanlı-İran savaşı Mühimme Defteri: 1734-1735*.

جسارت وی به ایصال مضرات از اغلب احتمال است و چون امنیت از مکر دشمن جائز نیست و در هر حال، از اوضاع و اطوار ایشان خبیر و آگاه و دائماً بصیر و انتباه لازم است، این امر شریفم اصدار و همراه [ ... ] ارسال شده است: تو که مؤمی‌الیه هستی، از هم اکنون تو نیز به مقتضای غیرت دینیه و حمیت اسلامی که در ذاتت است علی‌الدوام چشم و گوش به جانب دشمن حواله و متبصرانه حرکت و در مورد خلق و افراد درگاهت توفیر و تکثیر و از اهالی و رعیت حوزه حکومت حمایت و صیانت و اعمال هوش کن و از ارسال و اعلان اخبار اعدا که لاحق سمع تحقیق باشد به سوی مشارالیه سرعسگر نصرت رهبرم خالی مباش، در این باب، فرمان عالی‌شأنم صادر شده، [چنان‌که] نوشته شده فی اواخر صفر ۱۱۴۷.

یک صورت آن به متصرف سنجاق عمادیه بر وجه او جاللق ایعی متصرف سنجاق عمادیه که از جمله انواع تیولداران است، حکم که؛ یک صورت آن به متصرف سنجاق کوی، حکم که؛ یک صورت آن به متصرف سنجاق خرپوت، حکم که؛ یک صورت آن به بی‌ایبگ/امیر/حاکم سنجاق دارخرما (؟) [ ... ]، دام عزه، حکم که؛ یک صورت آن به بی‌ایبگ/امیر/حاکم سنجاق قره‌داغ [ ... ]، دام عزه، حکم که؛ یک صورت آن به بی‌ایبگ/امیر/حاکم سنجاق سوری‌تاش (ساغری‌تاش؟) [ ... ]، دام عزه، حکم که؛ یک صورت آن به بی‌ایبگ/امیر/حاکم سنجاق اربیل [ ... ]، دام عزه، حکم که.

برای نمونه، از مطالعه آنچه در حکم بالا آمده است معلوم می‌شود که تاریخ صدور این حکم، یعنی «فی اواخر صفر ۱۱۴۷»، با تاریخی که در متون فارسی (← حدیث نادرشاهی: ۱۳؛ نوائی: ۱۲۷؛ سردادور: ۴۱۳-۴۱۴) در مورد زمان حرکت نادر از اصفهان به همدان و سپس مناطق دیگر در آن حوالی داده شده است («نادر در تاریخ ۱۲ محرم ۱۱۴۷ از اصفهان به مقصد آذربایجان در محور همدان... به راه افتاد... در تاریخ ۱۳ صفر ۱۱۴۷ نادر از همدان به سنجاق و از آنجا به... مراغه رفت») همخوانی دارد و حکم مذکور حدود یک ماه و نیم بعد از حرکت نادر از اصفهان و حدود یک هفته تا ده روز بعد از حرکت وی، از همدان صادر شده است؛ در صورتی که اگر چنین همخوانی مشاهده نمی‌شد، محققان تاریخ ایران این امکان را می‌یافتند که با استفاده از تاریخ صدور حکم بالا — که سندی متقن است — به بررسی مسئله و اصلاح آن بپردازند. همچنین از رونوشت‌های این حکم که به حاکمان هفت منطقه عمادیه، کوی، خرپوت، دارخرما، قره‌داغ، سوری‌تاش و اربیل فرستاده شده است، به وضوح معلوم می‌شود که مناطق مذکور در تاریخ صدور حکم بالا، یعنی «فی اواخر صفر ۱۱۴۷»، در تصرف عثمانیان بوده است. از این رو، می‌توان اطلاعات موجود در منابع ایرانی را درباره مناطق که رونوشت‌های این حکم به آنجا ارسال شده، با آنچه درباره

این مناطق در این حکم آمده است، مقایسه کرد و بدین ترتیب و در محدوده جغرافیای سیاسی ایران اشتباهات احتمالی در منابع را اصلاح نمود. همچنین با بررسی مناطقی که این رونوشت‌ها به آنجاها ارسال شده است، شاید بتوان درباره نقشه مناطق جنگی مربوط به آنها دیدگاهی روشن‌تر از پیش از بررسی چنین دفتری، به دست آورد. همین نوع بررسی را می‌توان درباره همه رونوشت‌های موجود در این دفتر نیز به کار گرفت.

از بررسی احکام موجود در این دفتر همچنین می‌توان به نکات مهم و جالبی درباره نحوه عملکرد عثمانیان در آستانه جنگ مرادتیپه پی برد. بدین‌سان از احکام متعددی که در دفتر مهمه مذکور ضبط شده، معلوم می‌شود که سلطان عثمانی از نحوه عملکرد امرا و حکام مناطق مختلف امپراتوری و سپاهیان در این لشکرکشی و جنگ بسیار ناخشنود بوده است چنان‌که مدام در احکام خود به حکام و والیان دستور می‌دهد که خود را به سپاه اصلی عثمانی به فرماندهی عبدالله پاشا کوپرولوزاده برسانند و به ایشان بپیوندند و مدام آنها را خطاب قرار می‌دهد که چرا در پیوستن به سپاه اصلی عثمانی تعلل می‌کنند و حتی آنان را سرزنش و تهدید می‌کند که اگر بیش از این در این امر سستی کنند، مجازات و با حمله سپاه عثمانی مواجه خواهند شد. سلطان عثمانی در این احکام به حکام توضیح می‌دهد که در حالی که ایرانیان به مرزها و متصرفات متعدد و عمده عثمانی رخنه و آنجاها را تسخیر یا محاصره می‌کنند، چرا باید سپاهیان و حکام تابع وی تا این اندازه تعلل و نافرمانی و «تنبلی» کنند؛ وی در به کار بردن لفظ «تنبلی» تأکید کرده است.<sup>۱</sup> در نتیجه، معلوم می‌شود که امرای ولایات عثمانی به هر دلیل یا دلایلی تمایل نداشتند به سپاه عثمانی بپیوندند و یا در تأمین سرباز و دیگر مایحتاج برای سپاه عثمانی مشارکت داشته باشند و حتی در چنین اوضاعی، نمی‌خواستند به دولت و حکومت خود کمک مالی مورد نیاز را برسانند و مالیات‌های مضاعف («امداد سفریته») بپردازند. از بررسی همین احکام در این دفتر همچنین معلوم می‌شود که گستردگی تهاجمات و تصرفات و محاصره شهرها از سوی ایرانیان تا چه اندازه عثمانیان را غافلگیر یا نگران کرده بود،

۱. ← احکام شماره ۱، ۶، ۱۱، ۱۹، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۶۰، ۶۳، ۶۹، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۸، و ۲۱۲.

چنان‌که از همه متصرفات خود در مناطق شرقی و حتی سرزمین‌های اروپایی به گردآوری سپاهی بسیار انبوه اهتمام داشتند و در امر تدارکات و پشتیبانی جنگی خود با مشکلات بسیاری مواجه بودند و با این‌همه، با وجود چندبرابر بودن سپاهیان ایشان نسبت به سپاهیان ایرانی، شکست سنگینی را متحمل شدند.

هرچند دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با ایران (رمضان ۱۱۴۶- ذی‌حجه ۱۱۴۷) از جمله مهمه‌های جنگی (مهمه اردو) است که احکام موجود در آن، بیشتر، به اوضاع و وقایع داخلی در ایالات مرز شرقی عثمانیان و امور سپاه و پشتیبانی نظامی ایشان در رمضان ۱۱۴۶- ذی‌حجه ۱۱۴۷ مربوط می‌شود، مطالعه و بررسی محتوای این دفتر و اطلاعات فراوان مربوط به ایران در دیگر دفاتر مهمه و حتی مقایسه این اطلاعات با گزارش‌های موجود در منابع تاریخی ایرانی می‌تواند استادان و محققان ایرانی را در رسیدن به نتایج جدید و روشن شدن برخی زوایای تاریک مربوط به جنگ مذکور یا تاریخ ایران در زمینه‌های گوناگون یاری دهد. در مجموع، اطلاعات موجود در این‌گونه دفاتر برای مطالعه دقیق‌تر و شناخت بهتر تاریخ کشورمان و مناسبات این دو قدرت بزرگ در آن دوران ضروری است و، آنچنان‌که از نام این‌گونه دفاتر برمی‌آید، بی‌تردید می‌تواند بسیار مهم باشد.

### ۳ نتیجه و پیشنهاد

شکی نیست که مطالعه و بررسی اسناد در پژوهش‌های تاریخی به تحقیقات وثاقت لازم را می‌بخشد و خلأهای موجود در تحقیق را پر می‌کند، از این رو، در پژوهش‌های مربوط به ایران نیز لازم است، علاوه بر اسناد ایرانی، اهمیت بررسی اسناد باقی‌مانده از دوره عثمانیان، به‌ویژه دفاتر مهمه آنان، مد نظر قرار گیرد؛ زیرا انبوهی از اطلاعات منتشرشده و بیشتر، اطلاعات بررسی‌نشده در آرشیو عثمانی در استانبول و به‌ویژه اسناد و احکام موجود در دفاتر مهمه عثمانی وجود دارد که بسیار محتمل است در منابع و مآخذ تاریخی و حتی پژوهش‌های معاصر مربوط به تاریخ ایران ذکر نشده و مغفول مانده باشند. به بیان دیگر، چون یکی از راه‌های انتخاب مسئله یا طرح سؤال در هر پژوهشی بررسی پژوهش‌های گذشته و پی بردن به خلأهای موجود در آنها از

جمله نقص آنها در شناسایی منابع اصلی آن پژوهش‌هاست، در تحقیق حاضر سعی شده است در تحقیقات مربوط به تاریخ ایران در ادوار مقارن عثمانیان نظر محققان ایرانی به این مسئله جلب شود که آشنا نبودن ایشان با منابع و اسناد آرشیوی عثمانی، به‌ویژه دفاتر مهمه، و در نتیجه استفاده نشدن این‌گونه منابع در پژوهش‌های آنها می‌تواند لاقلاً در برخی از این پژوهش‌ها نقصی جدی محسوب شود. در نتیجه، علاوه بر لزوم توجه و تحقق بخشیدن به آنچه آقای دهقانی در قسمت «راهکارها» در مقاله خود - استفاده شده در تحقیق حاضر - آورده است، تأسیس مرکز یا مؤسسه‌ای ویژه با هدف عمده مدیریت طرح‌های کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت در زمینه ترجمه برخی آثار منتخب عثمانی، از جمله منابع اصیل و دست اول و به‌ویژه برخی از دفاتر مهمه منتشرشده در ترکیه، که حاوی اطلاعات مربوط به ایران‌اند، بسیار ضروری می‌نماید. همچنین با توجه به این واقعیت آشکار که عثمانیان قرن‌ها همسایه ایران بودند و با حکومت‌های پیشین ایران مناسبات و مشترکات فراوان تاریخی و اقتصادی و فرهنگی داشتند، به نظر می‌رسد در کشورمان زمان آن رسیده باشد که برای گشودن افقی نو در پژوهش‌های مربوط به زمینه‌های گوناگون در تاریخ ایران، به شناخت جدی‌تر اسناد عثمانی به‌ویژه دفاتر مهمه آنان و استفاده از این‌گونه اسناد مهم و دست اول در تحقیقات مربوط به ایران بیشتر اهمیت داده شود.

در پایان، تصویر دو صفحه نخست دفتر مهمه جنگ ۱۷۳۴-۱۷۳۵ عثمانی با *ایران (رمضان ۱۱۴۶ - ذی‌حجه ۱۱۴۷)* حاوی عنوان اصلی دفتر و نخستین حکم مورخ «اواخر ۱۱۴۶» این دفتر خطاب به والی حلب، به علاوه پنج سطر از حکم شماره دو، افزوده شده است.





## منابع

- آتش، صبری، «اهمیت آرشیه‌های عثمانی برای مطالعه در ایران عصر قاجار»، ترجمه نصرالله صالحی، تاریخ معاصر، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۴، ص ۷۹-۹۶.
- «آشنایی با آرشیه کشور ترکیه»، ترجمه شهلا اشرف، گنجینه اسناد، س ۶، ش ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۱۲-۱۱۷.
- استرآبادی، میرزاهدی‌خان، جهانگشای نادری، به کوشش سید عبدالله انوار، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۱.
- الاصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، چاپخانه موسوی، تهران ۱۳۴۰.
- ثریا، محمد، سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانیه، [استانبول] ۱۳۱۱ق.
- جعفریان، رسول، «گزارشی تازه‌یاب درباره سقوط صفویه، نادرشاه، روابط با عثمانی و انعکاس اخبار ایران در مکه مکرمه»، پیام بهارستان، دوره دوم، س ۲، ش ۸، تابستان ۱۳۸۹، ص ۹۶۲-۹۷۷.
- حزین لاهیجی، محمدرضا، تاریخ احوال بتذکره حال، دارالسلطنه انگلیس، لندن ۱۸۳۱م.
- حدیث نادرشاهی، تصحیح، تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی، دانشگاه ملی ایران، تهران ۲۵۳۶ [= ۱۳۵۶].
- رستم الحکما (آصف)، محمدهاشم، رستم‌التواریخ، تصحیح، تحشیه و توضیحات و تنظیم فهرست‌های متعدد محمد مشیری، چاپ تابان، تهران ۱۳۴۸.
- دهقانی، رضا، «ضرورت‌ها و راهکارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۱، ش ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱-۲۰.
- سامی، شمس‌الدین، قاموس ترکی، به کوشش احمد جودت، [استانبول] ۱۳۱۷ق.
- سردادور، ابوتراب، تاریخ نظامی و سیاسی دوران نادرشاه افشار، انتشارات ستاد بزرگ ارتش‌تاران، [تهران] ۱۳۵۴.
- شعبانی، رضا، گزارش زندگی، نشر پانید، تهران ۱۳۸۴.
- صبحی، صبحی تاریخی، قسطنطنیه ۱۱۹۸ق.
- صلحی، مظاهر، محمد عزیزنژاد و میرصمد موسوی، «نقد و بررسی نامه ارسالی شاهوردی‌خان، خان گنجه، به دولت عثمانی (با تأکید بر روابط ایران)»، گنجینه اسناد، س ۲۳، دفتر دوم، ش ۹۰، تابستان ۱۳۹۲، ص ۶۸-۸۱.
- عالی، مصطفی، مناقب هنروران، استانبول ۱۹۲۶م.
- عربخانی، رسول، «تحلیلی بر جایگاه علمای ایرانی در برنامه پان‌اسلامیسم عثمانی از منظر اسناد و روایت‌های عثمانی»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، س ۴، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۵-۱۷۲.

فخری، حجت، «خزانه»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۵، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۵.

فسائی، میرزا حسن حسینی، *فارسنامه ناصری*، به تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷.

قزوینی، ابوالحسن، *فوائد الصفویه (تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه)*، به تصحیح و با مقدمه و حواشی مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۷.

گوندوز، توفان، «دفاتر مهمه در آرشیو عثمانی نخست‌وزیری جمهوری ترکیه»، ترجمه رسول عربخانی و اسرا الشوقی، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۷۰ و ۷۱، مرداد و شهریورماه ۱۳۲۸، ص ۹۴-۹۵.

مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل، *مجمع التواریخ*، در *تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ هجری قمری*، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، کتابخانه طهوری و کتابخانه سنائی، تهران ۱۳۶۲.

مروی، محمد کاظم، *عالم‌آرای نادری*، به کوشش محمدامین ریاحی، کتابفروشی زوار، [تهران] ۱۳۶۴. موجانی، سیدعلی و دیگران، *اسناد سلطانی (اسناد آرشیو عثمانی درباره ایران)*، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۳۸۸.

نصیری، محمدرضا (۱)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (دوره افشاریه)*، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران ۱۳۶۴.

\_\_\_\_\_ (۲)، «چند نامه از اشرف افغان (نامه اشرف افغان به سلطان احمدخان عثمانی)»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۷۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۷، ص ۹۳-۱۴۰.

\_\_\_\_\_ (۳)، «مناسبات خانان آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر دوره زندیه»، *بیک نور، ضمیمه زمستان* ۱۳۸۴، ص ۶۳-۷۴.

نوائی، عبدالحسین، *نادرشاه و بازماندگانش (همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری)*، با توضیحات و حواشی، [تهران] ۱۳۶۸.

نوری، محمد، «خزانه اسناد موقوفات دوره عثمانی»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۷۴، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۴۶.

Abdi Paşa, *Abdi Tarihi*, Faik Reşit Uzun (ed.), Türk Tarih Kurumu, Ankara 1943.

Akdağ, Mustafa (1), *Büyük Celâlî Kanşıklıklarının Başlaması*, Atatürk Üniversitesi yayınları, Erzurum 1963.

\_\_\_\_\_ (2), *Celâlî İsyânları (1550-1603)*, Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Yayınları, Ankara 1963.

- AKTAŞ**, Necati and Yusuf Halaçoğlu, "Başbakanlık Osmanlı Arşivi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (TDViA), Türkiye Diyanet Vakfı, İstanbul 1988-2013, c. 5, s. 122-126.
- AKTEPE**, M. Münir (1), *1720-1724 Osmanlı-İran Münâsebetleri ve Silâhşör Kemânî Mustafa Ağa'nın Revân Fetih-nâmesi*, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Yayınları, İstanbul 1970.
- (2), "Mahmud I", *İslam Ansiklopedisi*, Devlet Kitapları, İstanbul 1978-1986, c. 7, s. 158-165.
- Arşiv Belgelerinde Osmanlı-İran İlişkileri*, T. C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Ankara 2010.
- ATEŞ**, Abdurrahman, *Avşarlı Nadir Şah ve Döneminde Osmanlı-İran Mücadeleleri* (doctoral thesis), Isparta 2001.
- AXWORTHY**, Michael, *The Sword of Persia, Nader Shah (From Tribal Warrior to Conquering Tyrant)*, I. B. Tauris, London 2006.
- Başbakanlık Osmanlı Arşivi Rehberi*, T.C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul 2000.
- ÇETİN**, Atilla, "Başbakanlık Osmanlı Arşivi", *İstanbul Ansiklopedisi*, Kültür Bakanlığı and Tarih Vakfı, İstanbul 1994; c. 2, s. 77-79.
- EMECEN**, Feridun M. (1), *XVI. Asırda Manîsa Kazası*, Ankara 1989.
- (2), "Osmanlı Divanının Ana Defter Şerhleri: Ahkâm-ı Mirî, Ahkâm-ı Kuyûd-ı Mühimme ve Ahkâm-ı Şikâyet", *Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi*, Vol. 3, No. 5, 2005, s. 107-139.
- FAROŖHI**, Suraiya (1), "Mühimme Defterleri", *EP*, Leiden: E. J. Brill, 1986-2002, vol. 7, pp. 470-472.
- (2), *Towns and Townsmen of Ottoman Anatolia (Trade, Crafts and Food Production in an Urban Setting, 1520-1650)*, Cambridge 1984.
- GRISWOLD**, C., *Anadolu'da Büyük İsyân, 1591-1611*, Ü. Tansel (çev.), İstanbul 2000.
- İLÇÜREL**, Mücteba, "Mühimme Defteri 90", *Belleter*, c. 59, No. 225, 1995, pp. 497-498.
- İMBER**, C. H., "The Persecution of the Ottoman Shi'ites According to the Mühimme Defterleri, 1565-1585", *Der İslam*, vol. 56, No 2, Juli 1979, pp. 245-273.
- KIRZIOĞLU**, E., *Osmanlıların Kafkas Elllerinin Fethi, 1451-1590*, Ankara 1976.

- Kürükoğlu**, Bekir (1), *Osmanlı-İran Siyasi Münasebetleri I (1578-1590)*, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, İstanbul 1962.
- (2), *Osmanlı-İran Siyasi Münasebetleri, 1578-1612*, İstanbul 1993.
- Kürükoğlu**, Mübahat S., "Mühimme Defteri", TDVİA, Türkiye Diyanet Vakfı, İstanbul 1988, c. 31, s. 520-523.
- Lewis**, Bernard, "The Ottoman Archives as a Source for the History of the Arab Lands", *The Journal of the Royal Asiatic Society*. 1951, No. 314, pp. 139-155.
- Orhonlu**, Cengiz (1), *Osmanlı İmparatorluğunda Aşiretlerin İskânı*, Eren Yayıncılık ve Kitapçılık Ltd. Şti., İstanbul 1987.
- (2), *Osmanlı İmparatorluğunda Aşiretleri İskân Teşebbüsü (1691-1696)*, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Basımevi, İstanbul 1963.
- Osmanlı Arşiv Belgelerinde Nahçıvan*, Kemal **Gurulkan** et al. (ed.). T. C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, İstanbul 2011.
- Osmanlı Belgelerinde Karabağ*, Kemal **Gurulkan** et al. (ed.), T. C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, İstanbul 2009.
- Özcan**, Abdülkadir, "Mahmud I", TDVİA, Türkiye Diyanet Vakfı, İstanbul 1988-2013, c. 27, s. 348-352.
- Özgüdenli**, Osman Gazi, "Osmanlı İrani I: Batı İran ve Azerbaycan Tarihi Hakkında Osmanlı Tahrîr Kayıtları: Coğrafi ve İdarî Taksimat", *A.Ü. Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Araştırmaları Dergisi*, XXII/ 34, 2003.
- Pakalın**, Mehmet Zeki, *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, İstanbul 1993.
- Pehlivanlı**, Hamit, "Osmanlılarda İstihbaratçılık", *Türkler*, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 2002.
- Ransom Slavery along the Ottoman Borders (Early Fifteenth-Early Eighteenth Centuries)*, Géza **Dávid** and Pál **Fodor** (ed.), Brill, Leiden 2007.
- Sarınay**, Yusuf, "Türk-İran İlişkilerinin Arşiv Kaynakları", *Tarihten Günümüze Türk-İran İlişkileri Sempozyumu (16-17 Aralık 2002, Konya)*, Türk Tarih Kurumu Basımevi, Ankara 2003.
- Şam'dani-zade**, Fındıklılı Süleyman Efendi, *Şam'dani-zade Fındıklılı Süleyman Efendi Tarihi, Mür'it-Tevarih*, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Yayınları, İstanbul 1976.

- TEMELKURAN**, Tevfik, "Divan-ı Hümayun Mühimme Kalemi", *Tarih Enstitüsü Dergisi*, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, İstanbul 1975.
- UZUNÇARŞILI**, İsmail Hakkı, *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Türk Tarih Kurumu Basımevi, Ankara 1988.
- YAVUZ**, Hulûsi, *Kâbe ve Haremeyn için Yemen'de Osmanlı Hâkimiyeti (1517-1571)*, İstanbul 1984.
- ZARİNEBAF-SHAHR**, Fariba, *Tabriz under Ottoman Rule: (1725-1730)*, doctoral thesis, The University of Chicago, Chicago 1991.
- 5 Numaralı Mühimme Defteri (973/ 1565-1566), T. C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara 1994.
- 6 Numaralı Mühimme Defteri (972/ 1564-1565) I, Hacı Osman **Yıldırım** et al. (ed.), T. C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara 1995.
- 7 Numaralı Mühimme Defteri (975-976/ 1567-1569), Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, Ankara 1998.
- 12 Numaralı Mühimme Defteri (978-979/ 1570-1572), özet, transkripsiyon ve indeks, Muhammed Safi et al. (ed.), Ankara 1996.
- 1734-1735 Osmanlı-İran Savaşı Mühimme Defteri (Ramazan 1146-Zilhicce 1147), Kemal **Erkan** (ed.), İstanbul 2011.